

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



عنوان:

بررسی راهکارهای تقویت هویت اسلامی در کودکان پیش دبستانی

حسن شیخیانی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر

Email: h.sheikhiani.pnu@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی راهکارهای تقویت هویت اسلامی در کودکان پیش دبستانی بود. روش تحقیق حاضر به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. در این مقاله ضمن ارائه ابعاد متفاوت هویت دینی، به بررسی مهمترین راهکارهای تقویت هویت اسلامی در مراکز پیش دبستانی پرداخته می شود. عوامل شکل گیری هویت دینی و در پی آن، پیدایش بحران هویت، گوناگون است. با بررسی پژوهش های پیشین و با بهره گیری از دیدگاه های دانشمندان اسلامی و غربی و سود بردن از آیات و روایات، مراحل شکل گیری هویت دینی و آسیب شناسی هویت اسلامی در دوره های رشد کودک بررسی شده است. یکی از روش های مؤثر در شکل گیری و تقویت هویت دینی، چگونگی انتقال مفاهیم دینی از سوی مربیان به کودکان دبستانی است که از مهمترین آنها می توان به روش قصه گویی، روش مشاهده مستقیم، روش الگو سازی و روش پرسش و پاسخ اشاره کرد.

کلمات کلیدی: هویت، کودکان پیش دبستانی، هویت دینی، تقویت هویت

مقدمه :

دین و هویت دینی با ارائه ی یک چارچوب جامع برای تفسیر وقایع، و نیز ارائه ی پاسخ های مشخص و قانع کننده ای برای پرسش های وجودی مانند از کجا آمده ام و به کجا می روم، تفسیری همه جانبه از حیات انسانی در اختیار می گذارد و خلاء زندگی را با ایجاد معنا برای لحظه لحظه ی آن برطرف می کند. دین به افراد نوعی احساس کنترل و کار آمدی می بخشد. سلامت بخش ترین جنبه ی دین، توانایی آن در فرو کاستن از تنیدگی وجودی از رهگذر اعطای یک احساس کنترل بر این دنیای نامطمئن و هراس انگیز است؛ این احساس کنترل از راه باور به حضور یک قدرت برتر و شکوهمند فراهم می شود که اراده و اختیار دارد و می تواند از جانب ما مداخله کند. دین در جایگاه یک نظام مرجع با طرح هدفمندی حیات، مرگ را نقطه ی پایان زندگی نمی داند و آن را همچون گذرگاهی برای عبور به جهانی با شکوه تر، پذیرفتنی می سازد. این توانایی دین در کاستن از غم های وجودی و مرتبط کردن ما با یک نیروی قدرتمند معنوی، در بردارنده ی بزرگترین هدیه به انسان هاست. برای یک فرد معتقد، همانا این هدیه امید و آرامش است. باور و ایمان به خدا سبب امیدواری و خوش بینی به خدا و جهان می شود؛ انسان را به سوی خوبی ها فرا می خواند و محبت به خدا و آفریدگان او را در دل جای می دهد (حیدری، ۱۳۸۶، ص: ۲۳-۲۰). دین در صدد پاسخگویی به چرایی زندگی انسان هاست؛ به اعتقاد فروم در کتاب روان کاوی دین، « نیاز دینی یعنی نیاز به یک الگوی جهت گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان. هیچ کس را نمی توان یافت که فاقد این نیاز باشد». فروم همانند یونگ در تحلیل عوارض ناشی از پیروی از مکاتب غیر خدایی اعتقاد دارد که جامعه ی صنعتی غرب، انسان را از فطرت خود دور می کند و پیدایش بسیاری از مشکلات زندگی را که سالیوان آن ها را مشکلات زندگی می نامد، ناشی از بی توجهی به دین الهی می داند (جمالی، ۱۳۸۱).

دین به انسان چیزی می دهد که از هیچ چیز دیگری قابل دریافت نیست و آن اعتماد به حاصل کشش های زندگی، از طریق اتصال شخصی به قدرت یا قدرت های متعالی جهان می باشد. هر دینی معمولاً برای مؤمنین به خود و وضع کلی جامعه مؤثر است به عنوان مثال؛ دین کمک می کند تا هر فرد متدین قدرت و رضایت بیشتری به دست آورد؛ به وی کمک می کند تا مصائب زندگی را بدون ناله و شکایت تحمل کند؛ کیفیت زندگی این جهان را ارتقاء می بخشد و سر انجام برای زندگی و رستگاری برنامه ای عملی مطرح می کند (هیوم، ۱۳۸۰، ص: ۱۹).

نقش برجسته ی دین، برخلاف فلسفه، اخلاق و یا هر گونه فعالیت های آرمان گرایانه و فرهنگی این است که برای افراد انسانی بالاترین درجه از رضایت را، از طریق ارتباط زنده با آن چه وی به عنوان قدرت یا قدرت های ما فوق بشری این جهان تشخیص می دهد، فراهم می آورد. آن چه یک دین خاص را از ادیان دیگر متمایز می کند نوع خدایی است که پیروان آن دین به آن اعتقاد دارند و نیز تجربه ی بشری که به نحو شایسته ای از اعتماد مزبور، حاصل می شود (هیوم، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰).

به عقیده ی دورکیم یکی از عوامل مؤثر بر هویت دینی افراد، شرکت در مناسک دینی است. برگزاری مناسک دینی، تجمع مردمی را به دنبال دارد، که دارای ارزش ها و باورهای مشترکی هستند. این تجمع؛ روح جمعی، انسجام و اتحاد مؤمنین به آن مذهب، را به ارمغان می آورد. این تجمع، که با احساسات مشترک و هم جهت مشارکین همراه است، آن ها را از حوزه ی مادیات، به حوزه ی معنویات منتقل می کند که باعث "حرکت زایی مذهبی" می شود (دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۶۵). به نظر دورکیم علاوه بر کارکرد تجمع مردمی در برگزاری مراسم دینی، شادی و تفریح مردم نیز با برگزاری مراسم دینی تأمین می گردد. به عبارت دیگر هدف اصلی، اجرای باور های در برگزاری مراسم مذهبی است، ولی در کنار آن شرکت کنندگان شاد می شوند، لذت می برند و تفریح می کنند. بدین جهت است که دورکیم پیوندی نزدیک و ناگفتنی بین روزه و مهمانی، ایام مقدس و تعطیلات، تعطیلات و شادی متصور می شود... «دورکیم تفریح را لازمه ی زندگی اجتماعی می داند و معتقد است؛ چون تفریح کارکرد بنیادی مناسک دینی به شمار می رود، لذا دین از لطف و جاذبه ای کاملاً مجزا از اهداف رسمی خود برخوردار است...» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

هویت دینی:

هویت: واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد (Identitas) که از Idem یعنی مشابه و یکسان ریشه می گیرد) و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است: این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه ی هویت «خودش» متمایز می کند، اشاره دارد و در معنای دیگر به ویژگی همسانی که در آن اشخاص می توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات بر اساس صور مشترک برجسته ای، نظیر ویژگی های قومی و... به دیگران بپیوندند، دلالت دارد (منصور نژاد، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۵).

هویت مفهومی است که به ویژه در سال های اخیر کاربرد فراوانی را در ادبیات و علوم انسانی بویژه روان شناسی و جامعه شناسی پیدا کرده است. در فرهنگ معین آمده است: هویت یعنی: ۱- ذات باری تعالی ۲- هستی، وجود ۳- آنچه موجب شناسایی شخص باشد ۴- حقیقت جزئی. یعنی هرگاه ماهیت با تشخص است هویت گاه با لذات است و گاه بالعرض است (معین: ۵۲۲۸). در فرهنگ عمید نیز هویت چنین تعریف شده است: هویت یعنی حقیقت شیء، یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی، وجود و منسوب به «هو» می باشد (عمید: ۱۲۶۵). دهخدا در لغت نامه خود هویت را عبارت از تشخص دانسته و می گوید: «همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است» (دهخدا: ۲۰۸۸۶). در فرهنگ فارسی آموزگار این مفهوم به معنی: شناسنامه، نشانه و شناسایی آمده است (آموزگار: ۱۱۵).

رویکردهای جامعه شناسانه ی هویت دینی:

دورکیم: دورکیم معتقد است که انسان یک خصلت دوگانه و به عبارت دیگر دو بعد فردی و اجتماعی دارد. بخش اجتماعی از طریق جامعه پذیری توسعه می یابد و در طول زندگی از طریق تعامل با دیگران و مشارکت در فعالیت هایی با سوگیری جمعی تقویت می شود. قسمت فردی خودمحور است و با امیال خودخواهانه ی فرد مشغول است. قسمت فردی وجود آدمی را می توان هویت فردی و قسمت اجتماعی آن را می توان هویت اجتماعی در نظر گرفت، از نظر دورکیم دین در ابتدا در میان جوامع اولیه، وقتی که افراد به جمع بزرگتری پیوستند به وجود آمده است. در این موقع مردم به درک یک نیرو که به نظر می رسد مافوق آن ها باشد می رسند و تمایز میان امور مقدس و غیر مقدس حاصل می شود. در واقع در جوامع ابتدایی هویت اجتماعی افراد همان هویت مذهبی آنان است که آن ها را تشویق می کند سود جمعی را در رفتارشان در نظر بگیرند. «محتوای نمادها و مناسک مذهبی حتی موجودیت مادی جامعه را تنظیم می کند» (کرایپن، ۱۹۸۸: ۳۲۱).

پارسونز: پارسونز یکی از مهمترین جامعه شناسان نظم گرای معاصر است و از دیدگاه کلان به جامعه می نگرد او به نظام شخصیتی افراد و هویت فردی و اجتماعی افراد و همچنین دین و ارزش های اخلاقی و نقش آن ها در رهبری کنش های فردی و جمعی توجه اساسی دارد. از نظر پارسونز هر فرد در نظام شخصیتی خود که قسمتی از نظام کلی کنش است، هویتی منحصر به فرد و یکتا دارد اما این نظام شخصیتی در ارتباط متقابل با سایر بخش های نظام کنش و عمل می کند. پارسونز هویت اجتماعی را مسلط بر هویت فردی در نظر می گیرد، اما در عین حال می کوشد نشان دهد که هر کنشگر اجتماعی در قالب نظام شخصیتی، هویتی منحصر به فرد دارد (توسلی، ۱۳۷۹). می توان گفت که از نظر پارسونز دین از طریق جامعه پذیری در قالب ارزش های اجتماعی در نظام شخصیتی و هویت اجتماعی وارد شده و در آن نهادینه می شود. در جوامع مدرن هویت فردی غیر دینی است زیرا به دلیل تفکیک های کارکردی، حوزه ی دینی از جنبه های اقتصادی- اجتماعی افراد جدا می شود اما در هویت اجتماعی افراد هنوز هم حضور خواهد داشت، چرا که در نظر او فرهنگ و دین برای برقراری نظم اجتماعی اهمیت بسزایی دارند و می توانند کنش های اجتماعی را رهبری کنند (توسلی، ۱۳۷۹).

استرایکر: استرایکر یکی از نظریه پردازانی است که نظریاتی درباره ی هویت ارائه کرده است. از نظر او هر فرد در اجتماع هویتی مخصوص به خود دارد وقتی افراد در زندگی اجتماعی خود نقش های گوناگونی می پذیرند، هویت الصاق شده به آن ها نیز درونی می شود هویت ها قسمت هایی از «خود» هستند، خود در ارتباط با ساختار کلان اجتماعی و ماهیت آن و موقعیت خود در این ساختارها و نقش هایی که در ارتباط با این موقعیت ها بازی می کند، طرح هایی را ایجاد می کند. هویت ها این طرح های ساخته شده به دست خود را درونی می کنند (تورنر، ۱۹۹۸). می توان گفت که افراد وقتی در موقعیت های مذهبی قرار بگیرند، هویت مذهبی خواهند داشت. از آنجایی که هویت ها اتصال فرد را با ساختار اجتماعی فراهم می کنند، می توان اهمیت هویت مذهبی را در سلسله مراتب هویتی افراد با توجه به ساختار اجتماعی که در آن زندگی می کنند حدس زد هر چه ساختار اجتماعی به نقش های مذهبی اهمیت بیشتری دهد، تعداد این نقش ها و حمایت اجتماعی که برای آن ها فراهم می شود، بیشتر خواهد بود (تورنر، ۱۹۹۸).

هویت دینی و ابعاد آن:

عوامل زیادی از قبیل؛ آموزش و پرورش، هنر، ادبیات، فرهنگ رایج عامه، ساختار سیاسی معماران و حتی دانشمندان علوم تجربی بر هویت دینی تأثیرگذارند. به همین خاطر این گونه به نظر می رسد که هویت دینی را چنین می توان تعریف کرد؛ بخشی از مذهب که در افراد و جوامع مذهبی دارای درجاتی از ثبات بوده و از نسلی به نسل دیگر تداوم داشته است. این تعریف از هویت دینی، به وضوح جوامع مذهبی را از غیر مذهبی جدا می کند. هویت دینی بر آمده از شخصیت دینی می باشد؛ یعنی جایی که مفاهیم دینی، عقاید و مبانی بر رفتار، گفتار و اعمال فرد، خود را به منصفی ظهور می رساند. از این رو هویت دینی، ضمیمه کننده نام یابی خاص و پیشینه ی کاملاً روشن، در خصوص چنین افرادی بوده و به طور معمول فرض بر این است که، زمینه ی تبعیت از قوانین و مقررات تصویب شده و صریح را در افراد ایجاد می کند و پیشینه ی تاریخی پر بار، افسانه ها و باورهای کهن، الگو های مشخص، آداب و سنن مذهبی، مقررات و پشتوانه های سنتی، این نوع از هویت می باشد (حبیب زاده مرو دشتی، ۱۳۸۲: ۹۹).

با توجه به اینکه از ویژگی های هویت، چند بعدی بودن آن است هویت دینی نیز مفهومی مرکب است و ابعادی دارد.

الف) بعد دین داری: بررسی پژوهش های تجربی راجع به دین داری نشان می دهد که چند بعدی بودن دین نکته ای است که عموماً توسط پژوهشگران پذیرفته شده است مدل گلاک و استارک که در این حوزه مورد توجه بسیار قرار گرفته است برای دین، پنج بعد در نظر گرفته است: بعد اعتقادی، بعد شعائر و مناسک، بعد تجربی، بعد دانش دینی و بعد پیامدی.

ب) بعد اجتماعی: این بعد با مجموعه ای از نشانه گرها (اجتماعی و نمادین) سروکار دارد که مرز گروه های دینی را تعریف می کند و به شخص اجازه می دهد که میان «درون گروه و برون گروه» تمایز قائل شود. بعد اجتماعی با تعریف رسمی و علمی تعلق، ارتباط دارد مثلاً می توان به غسل تعمید داده شدن یا مؤمنانه عمل کردن به اصول پنج گانه ی اسلام یا داشتن سر پناه مشترک در آیین بودا و به علاوه موافقت پذیرش تکالیفی که برای به رسمیت شناختن اعضا جهت احراز صلاحیت در این یا آن جنبش دینی مورد نظر است، اشاره کرد. در واقع بعد اجتماعی، احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به "مای" مسلمان را نشان می دهد.

ج) بعد تاریخی: بعد تاریخی را می توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه ی تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست.

د) بعد فرهنگی: این بعد حاوی مجموعه ای از عناصر شناختی، نمادین و عملی است که میراث سنتی خاص را تشکیل می دهد: آموزه ها، کتاب ها، علم و تفاسیر عملی، رفتارها و آیین ها و رموز آیینی، تاریخ، اندیشه ها و شیوه های اندیشه ورزی که در ریشه در فعالیت های اجتماعات دارند، عادات غذا خوردن، لباس پوشیدن، امور جنسی، بهداشت و نظایر آن که با نظام

اعتقادات فرد مرتبط اند، هنرو آفریده های زیبا شناختی که به طور علمی توسعه یافته است و با این اعتقادات ارتباط دارد و نظایر آن شامل بعد فرهنگی هویت می شود در واقع بعد فرهنگی، نگرش مثبت به میراث فرهنگی - مذهبی و اهتمام به حفظ و نگهداری آن را نشان می دهد (منصور نژاد، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۶).

پیشینه نظری و عملی:

زاهد زاهدانی و کلانتری (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان: هویت دینی و جوانان، که نتیجه ی پژوهشی تجربی در ایران است، به دنبال بررسی میزان احساس تعلق به هویت دینی و عوامل مؤثر بر آن هستند. جامعه آماری این تحقیق، دانش آموزان مقطع متوسطه، سال سوم دبیرستان نواحی چهار گانه ی آموزش و پرورش شهر شیراز هستند که نمونه ای متشکل از ۴۰۰ نفر، شامل دختران و پسران مورد مطالعه را دربر می گیرد. نتایج نشان داد ۸۸٪ دانش آموزان دارای هویت دینی قوی هستند و تنها ۴٪ پاسخگویان، در این حوزه دارای مشکل یا بحران هستند. بیش از ۹۴٪ دانش آموزان خداوند را ناظر بر اعمال خود می بینند و در بعد اعتقادی به خداوند ایمان دارند. روی هم رفته هویت دینی دانش آموزان در حد بالایی است و بیشتر دانش آموزان دارای اعتقادات دینی بالایی هستند.

غفوری کله (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان: بررسی هویت دینی و ملی نوجوانان شهر تهران با تاکید بر تأثیر خانواده بر آن، با استفاده از روش پیمایشی و با بهره گیری از تکنیک پرسش نامه، هویت ملی و دینی ۳۹۰ نفر از جوانان ۱۸-۲۵ ساله شهر تهران را در مناطق مختلف آن را مورد بررسی قرار داده، که در آن هویت مطرح شده با ویژگیهای فردی و خانوادگی آنان را در ارتباط قرار داده، واز جمله نتایج به دست آمده ی آن به شرح ذیل می باشد: در خانواده هایی که والدین پایبندی بالایی نسبت به مؤلفه های ملی و دینی دارند، جوانان آن ها نیز از هویت ملی و دینی قویتری برخوردارند. عملکرد والدین در زمینه ی آموزش جوانان در دو بعد ملی و دینی با هویت ملی و دینی جوانان در ارتباط می باشد و این ارتباط مستقیم و مثبت ارزیابی شده است.

آزموده (۱۳۸۲) پژوهشی تحت عنوان: رابطه ی جهت گیری مذهبی با سر سختی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی را انجام داده است. در این پژوهش از سه پرسشنامه جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی آلپورت و پرسشنامه ی زمینه های دیدگاه های شخصی و پرسش نامه ی شادکامی آکسفورد استفاده شده است. برای انجام این تحقیق ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی از دو جنس مرد و زن به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب شدند و روش انجام پژوهش به صورت میدانی بود که دو طرح پژوهشی مورد استفاده قرار گرفت که عبارت بودند از: ۱- روش شبه تجربی ۲- روش همبستگی. یافته های پژوهش نشان داد که افرادی که دارای مذهب درونی هستند یعنی مذهب بعدی از شخصیت شان است و انتهای هدف نهایی است و وسیله ای برای رسیدن به اهداف دیگر نیست، به دلیل داشتن معنا و هدف در زندگی، مذهب می تواند در ایجاد سر سختی و شادکامی نقش سازنده ای داشته باشد.

کیز و ریتزس^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود نقش هویت مذهبی را بر حرمت خود و نشانه های افسردگی در کارگران مسن و باز نشسته، برجسته ساختند. نتیجه ی به دست آمده از این بررسی نشان داد هنگامی که هویت مذهبی افزایش می یابد، حرمت خود افزایش یافته و نشانه های افسردگی کاهش می یابد.

کیم و دیگران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که عمل به باور های دینی با هیجانات و عواطف مثبت مانند خوش خلقی، شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش رابطه ی مثبت دارد.

ماهونی و دیگران (۲۰۰۲) بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باور های دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری و تعارضات شده است.

^۱Keys and Retiez



هالامی و آرگایل (۱۹۹۷) در تحقیقی که تحت عنوان "روان شناسی رفتار، عقیده و تجربه مذهبی" انجام داده اند به این نتیجه رسیدند که افراد کمتر مذهبی به این دلیل کمتر شادند که اطمینان و یقین کمتری دارند.

روش شناسی:

پژوهش حاضر به دنبال بررسی راهکارهای تقویت هویت اسلامی در کودکان پیش دبستانی می باشد و بر این اساس باید بیان داشت که پژوهش حاضر به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام گرفته است.

یافته ها و بحث:

آسیب شناسی هویت دینی در دوره های رشد:

برای رسیدن به مرحله تکامل یافته هویت دینی، باید به مراحل و جنبه های تربیتی اشاره شده توجه کرد. بی توجهی یا سهل انگاری نسبت به آموزه های دینی سبب آسیب هایی می شود که روند این تکامل را متوقف می کند. در این قسمت به مهم ترین آسیب ها بر اساس دوره های یاد شده اشاره می شود.

۱- نام گذاری نامناسب

بعضی از والدین تصور می کنند که انتخاب نام فرزندان باید براساس مُد روز صورت گیرد. به همین دلیل نام های نامناسبی برای فرزندان برمی گزینند که گاهی اثر منفی نیز دارند، مانند: نام های بیگانه، ضد ارزشی، نام حیوانات، مکان های خاص، پادشاهان ستمگر گذشته و نظیر آن. آنها در این گونه نام نهادن، نیازهای روحی آینده فرزندان را نادیده می گیرند. نام های نامناسب، در دراز مدت، آسیب های خود را آشکار می سازد.

نامی که از نظر ظاهری، موزون و هماهنگ نیست؛ تلفظ آسانی ندارد و معنی خوبی نمی دهد، معمولاً مایه تمسخر و تحقیر فرد خواهد شد. نام هایی مانند چنگیز، تیمور و آتیلا که معنی خوبی ندارند و برای افراد پلید، ستم کار و منفور به کار می روند، نام های نامناسبی هستند (قائمی، ۱۳۸۲: ۲۶). آسیب دیگری که افزون بر احساس حقارت به وجود می آید، همانندسازی فرد با شخصیت های اصلی نام هاست. برای نمونه در بعضی موارد، اگر کسی با نام افراد ستمگر تاریخ صدا زده شود، با تکرار آن، در بعضی از مراحل زندگی، از آن افراد تقلید می کند. رواج گناه در جامعه، تیره کردن روابط میان افراد و فرهنگ گرایش به این گونه نام ها، آسیب های دیگر نام گذاری نامناسب به شمار می روند. در نهایت، پرشدن فضای جامعه از تکرار تلفظ این اسم های ناشایست و نامتعارف، نوعی تنفر عمومی از شنیدن این گونه نام ها را به وجود می آورد حتی در برخی موارد سبب رعب و وحشت خواهد شد (قائمی، ۱۳۸۲: ۳۰).

۲- سرزنش و محبت بیش از اندازه

یکی از اصول تربیتی، تعادل در برخورد با کودکان است. محبت کردن باید به طور منظم صورت گیرد تا سبب استحکام شخصیت شود، ولی نباید از مرز خود بگذرد. برای نمونه، بعضی افراد همواره و در هر موردی به فرزندان محبت می کنند و با تشویق های گوناگون از خط قرمز می گذرند. در این گونه موارد، به مرور زمان، زمینه های ایجاد تکبر و لوس شدن فرزند، فراهم و پس از آن، رشد هویت دینی مختل می شود. حضرت علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «شَرُّ الْأُمُورِ الرِّضَا عَنِ النَّفْسِ؛ بدترین کارها خودپسندی است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۶: ۴۷). آسیب های خودپسندی و تکبر هم عبارت است از:



دور شدن از صفات نیک، فساد عقل، ظاهر شدن معایب و بدی‌ها، کوچک شدن نزد خداوند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۶: ۴۷).

بنابراین، سرپرستان تربیت کودک باید با تعادل در محبت، مانع پدید آمدن خودبینی و تکبر شوند. سرزنش بی‌مورد و بیش از حد، یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا به شمار می‌رود. کودکی که همواره با انتقادهای بی‌مورد روبه‌روست، می‌کوشد تا با هر روشی، هر چند نادرست و غیر واقعی، در نگاه بزرگ‌ترها خوب جلوه کند تا تحقیر به وجود آمده را جبران کند. رفته رفته با پدید آمدن نفاق در کارها، از مسائل دینی فاصله می‌گیرد. حضرت علی علیه‌السلام درباره علت نفاق می‌فرماید: «نفاق مرد از خواری است که در خودش می‌یابد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۱۵۱).

۳- آسیب‌های تنبیه

یکی از مسائلی که در رشد هویت دینی باید مورد توجه قرار گیرد، جایگزین کردن روش‌هایی به جای تنبیه است. استفاده از این روش در آموزش مسائل دینی، خسارت‌های جبران‌نشده‌ای بر روحیه کودکان و نوجوانان بر جای می‌گذارد. خداوند در قرآن مجید به این نکته اشاره می‌کند که دین آوردن نباید با اجبار باشد (بقره: ۲۵۶). متأسفانه بعضی از والدین در آموزش مبانی دینی، از این روش مخرب استفاده می‌کنند و هیچ‌گاه به پی‌آمدهای آن توجهی ندارند.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تکرار تنبیه نادرست این است که فرد تنبیه شده نسبت به تنبیه‌کننده حالت دشمنی و کینه‌توزی به خود می‌گیرد. بدین ترتیب آموزش‌های دینی، اثر خود را از دست خواهد داد و حتی گاهی به رفتارهای ضد دینی می‌انجامد.

مربیان در دوره‌های پیش دبستانی باید توجه کنند که تنبیه برای آموزش دادن و ادب کردن است، نه تخلیه روانی خودشان. آنان باید به نکته‌های مهم دیگری هم توجه کنند:

- ۱- تا حد امکان نوع تنبیه به گونه‌ای انتخاب شود که با نوع جرم کودک سنخیت داشته باشد.
- ۲- هنگام تنبیه، نباید او را با دیگران مقایسه کرد.
- ۳- از رفتار کودک، انتقاد شود، نه از خود او.
- ۴- کودک باید از علت تنبیه آگاه شود.
- ۵- هیچ‌گاه کودک را با عنوان اینکه «دوستت ندارم»، تنبیه نکنید.
- ۶- کودک باید احساس کند که با تنبیه همه چیز تمام شده است.
- ۷- هیچ‌گاه کودک را برای کاری که توان انجام آن را ندارد، تنبیه نکنید.
- ۸- پیش از تنبیه، رفتار صحیح را آموزش دهید.
- ۹- تنبیه (بدنی و غیر بدنی)، دشوارترین و ظریف‌ترین وسیله تربیتی است که اجرای آن به کاردانی و بردباری نیاز دارد و اگر شرایط آن رعایت نشود، آثار بدی بر جای می‌گذارد که جبران آن دشوار است. بنابراین، هر کسی حق ندارد از این روش استفاده کند (امینی، ۱۳۷۲: ۱۷۵-۱۷۷).



۴- محیط خانوادگی ناسالم

بی‌شک، کودک از روابط میان اعضای خانواده به ویژه والدین الگو می‌پذیرد. اگر روابط میان اعضا صمیمی و عاطفی باشد، اثربخشی آموزش دینی بهتر صورت می‌گیرد، ولی اگر روابط، مخدوش و ناسالم باشد، آموزش‌های دینی هم به دلیل روابط ناسالم، کارآمدی خود را از دست خواهد داد.

دو تن از پژوهشگران به نام آکوک^۱ و بنگستون^۲ معتقدند که وجود تعارض در خانواده میان والدین و فرزندان، مانع از انتقال ارزش‌های دینی به فرزندان می‌شود (لطف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۵).

پدر و مادر که نخستین الگو و مؤثرترین عامل تربیت دینی کودک هستند، باید بکوشند فضای خانه را به محلی امن و مناسب برای پرورش فرزند تبدیل کنند و از هر کاری که سبب سلب آرامش می‌شود، بپرهیزند. برخوردهای تند، نزاع‌های همیشگی، بحث‌های بی‌حاصل و پرخاشگری والدین با یکدیگر و اعضای خانواده، محیط را بحرانی می‌کند؛ به حس ناامیدی، نگرانی و در نهایت به آشفتگی کودک می‌انجامد و گاهی مقدمات فرار از خانه و انحراف فرزند فراهم می‌شود.

پژوهشگران با انجام پژوهش درباره شناخت مشکلات نوجوانان به این نتیجه دست یافتند که مشکلات خانوادگی، آموزشی، رفتاری، عاطفی و جسمی، علت‌های اصلی مشکلات به شمار می‌آیند. نکته قابل توجه پژوهش یادشده، این نکته است که مشکلات خانوادگی، مهم‌ترین عامل پیدایش این ناهنجاری‌ها است.

۵- تبعیض

در کانون خانواده باید روابط معقول و درستی میان والدین و فرزندان حاکم باشد. همه آنها باید در رفع نیازهای فردی و جمعی تا آنجا که می‌توانند، تلاش کنند. والدین باید با تعادل میان فرزندان به تقویت این مهم بپردازند. تبعیض سبب می‌شود که فرزند از دست یافتن به هویت دینی باز ماند. یکی از آسیب‌های تبعیض، به وجود آمدن کینه و دشمنی کودک و نوجوان نسبت به والدین است که آنها را وا می‌دارد تا برخلاف آموزش‌های دینی عمل کنند. آسیب‌های دیگر عبارتند از: احساس حقارت در میان فرزندان، حسادت بین آنها، بدآموزی، الگوگیری منفی و...

در برخی موارد، بعضی از والدین به علت سستی یکی از فرزندان در انجام تکالیف دینی با او بی‌مهری می‌کنند. این عمل، گمان تبعیض را در آن فرزند تقویت می‌کند که پی آمد آن، مخالفت با آموزش‌ها و دست زدن به رفتارهای تلافی‌جویانه است. متولیان تربیتی کودک باید داستان حضرت یوسف علیه‌السلام را سرمشق خود قرار دهند. توجه حضرت یعقوب علیه‌السلام به یوسف به دلیل کوچک‌تر بودن و بی‌بهره بودن از وجود مادر، برادران حسود را بر آن داشت که بدون توجه به عوامل یاد شده، او را در چاه بیاندازند. آنها تصمیم گرفتند یوسف را با دور کردن از آن منطقه به قتل برسانند تا خود مورد محبت پدر قرار گیرند (یوسف : ۸-۱۸).

راهکارهای عملی تقویت هویت دینی در روره های پیش دبستانی:

در آیه‌ها و روایت‌ها برای تقویت هویت اسلامی، به راه‌هایی اشاره شده که با ظرافت‌های ویژه‌ای همراه است. در این میان، نمی‌توان از هر وسیله‌ای برای تربیت کودکان و نوجوانان استفاده کرد، بلکه باید بر اساس ظرفیت‌های موجود، از روش‌های مناسبی بهره‌مند شد. یکی از روش‌های مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی، چگونگی انتقال مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان است که در اینجا به برخی روش‌های انتقال مفاهیم دینی اشاره می‌کنیم.

¹ Acock

² Bengston



الف) روش قصه‌گویی

قصه در لغت به معنی سرگذشت آمده است. در قصه، به سرگذشت فرد یا گروهی پرداخته می‌شود که شنیدن آن برای شنونده جذاب است. شنیدن قصه، یکی از کارهای مورد علاقه این دوره از رشد به شمار می‌رود. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند. قصه نه تنها پیام‌های مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب گفته شود، کودک و نوجوان می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه همانندسازی کنند. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مذهبی و دینی، زمینه رشد شناختی کودک را فراهم سازند. یکی از راه‌های استفاده از این سبک تربیتی، استفاده از کتاب‌های داستان است. کودکان با خواندن کتاب‌های داستانی در این زمینه به اهداف مورد نظر دست می‌یابند. والدین و مربیان باید پس از بیان قصه‌های آموزنده، به نتیجه مورد نظر خود برسند. در این زمینه می‌توانند از کودک نتیجه داستان را بپرسند. با تکرار این روش، کودک می‌کوشد از شخصیت‌های مثبت داستان، تقلید و خود را به آنها نزدیک کند.

در قرآن کریم و آموزه‌های پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام از این روش به خوبی استفاده شده است. خداوند در آیه‌ای از قرآن مجید، به پیامبر می‌فرماید: «... فَأَقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ...» پس قصه‌های گذشته را بخوان، شاید متفکر شوند» (اعراف: ۱۷۶). آنچه در بیان این روش از قرآن به دست می‌آید، تفکر و پندآموزی از داستان‌های گذشته است.

ب) روش مشاهده مستقیم

دیدن بعضی رویدادها که به آموزه‌های دینی مربوط می‌شود، در یادگیری کودک و نوجوان تأثیر فراوانی دارد. آنها با دیدن آن رویدادها، بعضی از مسائل انتزاعی را بهتر درک می‌کنند و در موقعیت‌های مشابه آن را به کار می‌گیرند.

در قرآن مجید، استفاده از این روش یکی از راه‌های دستیابی به جهان‌بینی دینی، معرفی شده است. برای نمونه، خداوند در آیه‌ای، همگان را به مشاهده آثار رحمت الهی، مانند پدید آمدن باران و رویش گیاه در زمین پس از خشکی آن فرا می‌خواند (روم: ۵۰). خداوند در آیه‌های گوناگون، انسان را به سیر و سفر و دیدن آثار به جا مانده از قبیله‌های پیشین تشویق می‌کند. مشاهده این مسائل به سبب ملموس بودن و خارج شدن از محدوده انتزاعی، نتیجه‌گیری را آسان‌تر می‌سازد. والدین و مربیان می‌توانند با تشکیل گروه‌های کوچک و بزرگ، برای اردوهای گوناگون، به تبیین مسائل مرتبط با رشد هویت دینی بپردازند.

ج) روش الگو سازی

با آموزش مسائل نظری و عملی دینی به کودکان و نوجوانان، هدف خاصی در ذهن آنها ترسیم می‌شود. آنان با فراگرفتن آموزه‌های دینی، به سوی هدف مورد نظر گام برمی‌دارند، ولی نمی‌توانند به تصور درستی از شخصیت آرمانی‌شان دست یابند. برای جبران این کاستی، می‌توان الگوهای مناسب را در برابر دیدگان آنان ترسیم کرد. با کمک روش الگویی، آموزه‌های دینی و چگونگی عمل به آنها را به صورت ملموس‌تری فرا می‌گیرند. در این مرحله، کودک، نوجوان و جوان به صورت عینی هدف خود را بازسازی می‌کند. در قرآن مجید چنین آمده است:

البته باید برای شما در پیروی از خصال نیکوی پیامبر، سرمشقی پسندیده باشد. این برای کسی است که امیدوار باشد به خدا و روز قیامت و بسیار یاد خدا کند (احزاب: ۲۱).

در بعضی دیگر از آیه‌های قرآن، از حضرت ابراهیم (ممتحنه: ۴) و قوم او (ممتحنه: ۶) به عنوان الگو یاد می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام نیز در نکوهش لشکریان خود پس از جنگ نهروان که برای نبرد با معاویه سستی می‌ورزیدند، در قسمتی از خطبه ۹۷ نهج البلاغه چنین فرمود:

...ای مردم! به اهل بیت پیامبران بنگرید؛ از آن سو که گام برمی‌دارند، بروید. قدم جای قدمشان بگذارید. آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به سستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید (نهج البلاغه، خ ۹۷: ۱۸۱).

والدین و مربیان باید پیش از اینکه کودک، الگوی نامناسبی را برگزینند، الگوهای مناسب را فراروی کودکان و نوجوانان قرار دهند. کودکان باید از الگوهایی تقلید کنند که از یک سو برای آنها جذابیت کافی داشته باشند و از سوی دیگر، آنان را در مسیر رسیدن به پروردگار و هویت دینی یاری کنند. در غیر این صورت، باید برای یافتن الگوی مناسب‌تری در این زمینه قدم برداشت. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم می‌دهد و ادب می‌کند، به تعلیم سزاوارتر است از آن که دیگران را تعلیم دهد و ادب بیاموزد (نهج البلاغه، خ ۹۷: ۶۳۹).

د) روش پرسش و پاسخ

متولیان تربیتی می‌توانند با استفاده از روش پرسش و پاسخ، کودک و نوجوان را به تفکر درباره مسائل دینی تشویق کنند. با طرح پرسش دینی، ذهن آنها برای یافتن پاسخ مناسب، به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و انتخاب بهترین آنها می‌پردازد و کم‌کم با همدانیشی میان مربیان و والدین به همراه آنها، مسائل جدیدی به دست می‌آید. این روش، به سبب اینکه ذهن آنها را فعال می‌کند، تعامل کودک و نوجوان را در پی دارد. همچنین روش تبیین مسائل و مفاهیم دینی به صورت سخنرانی اثرگذارتر است.

در قرآن کریم هم از این روش استفاده شده است. این به معنی آن نیست که خداوند درباره علم پیامبر تردید ایجاد کند، بلکه برای اینکه مخاطب را بیشتر به تفکر وادارد، از چنین روشی استفاده کرده است (ابراهیم: ۱۰). در میان احادیث هم گفت‌وگوهایی به چشم می‌خورد که به صورت پرسش و پاسخ میان معصومین علیه‌السلام و دیگران صورت گرفته است. در مرحله جدید می‌توان به شبهه‌ها و پرسش‌هایی که در ذهن کودک و نوجوان شکل می‌گیرد، توجه و پاسخ‌های مناسبی را با توجه به سطح شناختی‌اش ارائه کرد.

نتیجه گیری :

پژوهشی که انجام شد در رابطه با راهکارهای تقویت هویت اسلامی در کودکان پیش دبستانی بود. عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت ایرانی- اسلامی دخیل است که باید در دوره پیش‌دبستانی مورد توجه قرار گیرد. توجه به عناصر هویت، فرآیند هویت‌یابی کودکان و ارائه راهکارهای اجرایی در جهت کمک به شکل‌گیری و تقویت هویت ایرانی- اسلامی کودکان امری ضروری است و بسیاری از اهداف و برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت توسعه ای کشور بدون توجه به این موضوع محقق نخواهد شد.

پس از خانواده، مهم‌ترین محیط مؤثر در رشد دینی کودک، محیط آموزشی و مراکز پیش دبستانی است که به عنوان خانه دوم شناخته می‌شود. مسئولان این نوع مراکز باید با هماهنگی کامل با والدین دانش‌آموزان، در امر آموزش مسائل دینی فعالیت



کنند. آنها می‌توانند برای هر دانش‌آموزی، یک پرونده دینی و اخلاقی تشکیل دهند و به طور مستمر به ارزیابی تحول هویت دینی او بپردازند تا شکل‌گیری هویت دینی در کودکی و نوجوانی به گونه‌ای منسجم صورت پذیرد.

در بعضی مراکز پیش دبستانی، آسیب‌های جدی در این مسیر به وجود می‌آید. برای نمونه، در مدارس شلوغ، مربیان با تعداد زیادی دانش‌آموز روبرو هستند و توان انجام دقیق وظایف خود را ندارند یا در بعضی مدارس، معلمان و مربیان به حد کافی با آموزه‌های دینی و روش تعلیم آنها آشنا نیستند. آنها باید با شناخت وظایف خود و روش‌های آن و با توجه به تفاوت‌های فردی، مسیر شکل‌گیری هویت دینی را هموار کنند.

اگر متولیان تربیت نتوانند مسائل دینی را به کودکان و نوجوانان آموزش دهند دوستان ناباب، آنان را به انحراف خواهند کشید. پژوهشگران با تحقیقی کوتاه درباره انحراف کودکان، نوجوانان و حتی جوانان، مهم‌ترین دلیل آن را هم‌نشینی با هم‌سالان و دوستان نامناسب می‌دانند. برای جلوگیری از این آسیب، متولیان تربیتی باید محیط مناسبی با حضور هم‌سالان سالم فراهم سازند.

منابع فارسی:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه دشتی، محمد، قم، صفی.
- آزموده، پیمان (۱۳۸۲). رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- آموزگار، حبیب‌الله (۱۳۷۴). فرهنگ فارسی دانش، تهران: صفار.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۲). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جمالی، فریبا (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء.
- حبیب‌زاده مرودشتی، فهیمه (۱۳۸۳). بررسی هویت ملی-دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی آن‌ها، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه الزهراء.
- حیدری، مجتبی (۱۳۸۶). دین‌داری و رضامندی خانوادگی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه‌ی دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیادی حیات دینی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- زاهد زاهدانی، سعید، کلانتری، عبدالحسین، عزیزی، جلیل (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۶.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.



- غفوری کله، معصومه (۱۳۸۴). بررسی هویت دینی و ملی نوجوانان شهر تهران با تاکید بر تاثیر خانواده بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء(س).

- قائمی نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۱)، روان شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی و نوجوانی و جوانی، فصل نامه حوزه و دانشگاه.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه، ترجمه ی حمید رضا شیخی، چاپ سوم، قم: دارالحدیث.

- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم.

- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۵). دین و هویت، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

- هیوم، رابرت (۱۳۷۲). ادیان زنده ی جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

-Crippen.T.(1988).old and New Gods in the Modern world: Towarda Theory of Relhghous TransformationSocial forces,vol,67.

-Hallahmi, B.B and Argyle,M.(1997).The psychology of Religious Behavior, Be life Experience, London: Rout ledge.

-Keyes,c .I.M.,and Reitzes,D.(2007).the role of Religious identity in the mental health of olderWorking and retired adults Agin and mental Health,11,434-443.

-Kim, M. (2004).spirituality and affect:Aothers Function of changes in religious affiliation .Journal of family psychology.vol13.issue 3,17.

-Mahoney ,A.& others.(2002) Marriage and the spiritual realm: the role of proimal and distal religious constructs in marital functioning Journal of family psychology.vol13,issue3,17.

-Turner J.H. (1999).the structure ofsociological Theory, six Edition,wads worth publishing company New York.

Archive of SID

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله